نفی کثرت از ذات الهی با اوسعیت واقع از وجود و عدم مقابلی

شاگرد: یعنی حتی در صقع ربوبی؟

استاد: من مکرر عرض کرده‌ام که اصطلاح را درست می‌دانم، اما صقع ربوبی‌بودنش را غلط می‌دانم. اتفاقا مکرر گفتیم اولیها که اینها را گفته‌اند، منظورشان اصلاً صقع نبوده است. در شرح قیصری و ... آورده‌اند. آنها که می‌خواستند با ضوابط کلاسیک حکمت و فلسفه جور کنند، گفتند: «اقدس من أن یکون المفاض غیر المفیض». من مکرر عرض کردم که این درست نیست. آنهایی که ابتدا اقدس گفته‌اند، منظورشان این نبود. چرا؟؛ خیلی روشن است. چون خودشان می‌گویند فیض؛ اول می‌گویند فیض ولی بعد می‌گویند: «اقدس أن یکون المفاض غیر المفیض». پس نگویید: فیض. تناقض‌گویی می‌شود!؛ خیر، کسانی که فیض اقدس گفته‌اند، منظورشان مقابل مقدس بوده است. فیض اقدس یعنی اقدس من المقدس.

شاگرد: مقدس یعنی وجود ... .

استاد: احسنت. اقدس من المقدس. مقدس یعنی ظرف کن و ظرف وجود و ظرف فرد. او اقدس از فرد است. اقدس من المقدس که ظرف وجود و فرد است. موطن وجود منبسط موطن افراد طبایع است. محال است که طبیعت در وجود منبسط بما هی طبیعة بیاید. ولی وقتی می‌آید در ضمن فرد می‌آید.

شاگرد: به اصطلاح شما مقام واحدیت را انکار می‌کنید.

استاد: به‌معنای صقع، بله. من همیشه می‌گفتم: خدا را مظلوم گیر آورده‌اند. شوخی طلبگی می‌کردم. چون نتوانستند موطن علم را با بیان ضوابط وجود و عدم مقابلی کلاسیک توجیه کنند، مجبور شدند به صقع ربوبی ببرند. نعوذ باللّه خداوند را مظلوم گیر آوردند.

شاگرد ۲: می‌خواهند کثرت را نفی کنند. شما کثرت را قبول می‌کنید؟

استاد: کثرت من‌اسب با خودش. آنها مگر نمی‌گویند کثرت در وحدت؟ آنها هم کثرت را می‌پذیرند. اما باید توجیه کنند. مقام واحدیت، کثرت در وحدت است. احدیت ذات و احدیت صفات که نیست. بالاتر از این است.

شاگرد: ...

استاد: بله؛ اصلاً نتوانستند توجیه کنند لذا به صقع ربوبی بردند. این چند سالی که مباحثه کردیم، همه‌ی بحث‌ها سر این است. اگر ما ضوابط کلاسی را عوض کردیم و وجود و عدم مقابلی را تحلیل کردیم، پذیرفتیم که لوح نفس‌الامر اوسع از لوح وجود است، بهاریتی مقام واحدیت را و فیض اقدس را بدون این‌که در صقع ربوبی ببریم، توجیه می‌کنیم. تحلیل کلاسیک اصلاً نیازی ندارید. به صقع ربوبی بردن خیلی اشکالات دارد. واقعاً اشکالات دارد.

شاگرد ۲: فرمودید از قرینه‌های اوضح جلو بروید، اما اگر از همان ابتدای عبارت جلو بروید، فرمودید عجز، ظهور در عجز طبیعت دارد، آیا ما نمی‌توانیم در ادامه، فطور و زوال را معنایی متناسب با معنای طبیعت در نظر بگیریم؟

استاد: همانی که آقا فرمودند؟

شاگرد: بله؛ در اصطلاح کلاسیک بحث حدوث ذاتی مطرح می‌شود. اما در اینجا از جهت فطور و زوال، معنایی متناسب با طبیعت که خلاف عجز نشود و سیاق حفظ شود، محتمل هست یا نه؟

استاد: آن هم مانعی ندارد. مثلاً مرحوم حاجی سبزواری در منظومه مطلبی دارند که اختصاصی خودشان است. فرموده‌اند: غیر از من احدی این را نگفته است. اقسام حدوث را که بیان می‌کنند؛ حدوث ذاتی، زمانی و رتبی را که می‌گویند، بعد می‌گویند یکی هم حدوث اسمایی است. حدوث اسمایی را همینطوری می‌گویند. یعنی با این‌که قبول دارند صفات و اسماء برای خداوند متعال است و در مقام واحدیت است، اما اسم ِاصل تاخر رتبی را، حدوث می‌گذارند. اصلاً حدوث ذاتی هم نیست. چرا؟؛ چون در حدوث اسمایی ما هنوز اعیان ثابته نداریم. طبایع هم در اعیان ثابته ظهور پیدا می‌کند. در خود اسمای الهی ایشان این را مطرح می‌کنند. «ان اللّه خلق اسماء». شاید هم در شرح اسمایشان به این استشهاد بکنند. نمی‌دانم در منظومه هم استشهاد کردند یا نه. در آنجا می‌گفتند: حدوث اسمایی. خُب، این مانعی ندارد که شما فطور زوال را به این معنای اعیان بگیرید. فطور یعنی ظهور موطن الاعیان. زوال یعنی موطنی که اینها ظهور ندارد؛ خفای آنها. ولی این وجه از آن احتمالی که من عرض کردم، فاصله می‌گیرد و ربوبیت را به این معنای وسیعی که حضرت علیه السلام می‌خواهند بگویند، به ظهور نمی‌آورد.

شاگرد: چیزی که شما فرمودید، اشکال خلاف سیاق داشت. یعنی این است که ذهن را دور می‌کند. یعنی عجز به یک مرتبه نسبت داده می‌شود و فطور و زوال به مرتبه‌ی دیگر.

استاد: خُب، در این صورت «کلیة» قشنگ معنا می‌شود. اتفاقا وقتی عجز یک مرتبه آن است، فطور و زوال مرتبه‌ی دیگر آن است، کلیت معنا پیدا می‌کند. یعنی حالا همه‌ی آنها را در نظر بگیرید. فقط طبیعت و عجز آن را نبین. فقط فرد و زوال آن را نبین. بلکه همه‌ی آنها را ببین؛ حالا ربوبیت می‌شود. اتفاقا می‌خواستم کلیت را به این معنا بکنم.

شاگرد: ربوبیت به فرد هم تعلق می‌گیرد یا فقط به طبیعت تعلق می‌گیرد؟

استاد: نه به مجموعش.

شاگرد: یعنی اگر عین ثابتی دارد که او مدبرش است که دیگر به فرد ربطی ندارد.

استاد: یعنی عین ثابت مسبوق به ذات الهی است. محتاج است. احتیاجی متناسب با خودش دارد. احتیاجی است که فیض اقدس محتاج است. فیض مقدس محتاج است. فیض اقدس هم محتاج است. اقدس من أن یکون المفاض هم که نیست. احتیاجی مناسب با خودش دارد. پس این‌که طبیعت محتاج است، احتیاجی مناسب با خودش دارد. فرد هم محتاج است، احتیاجی مناسب با ظرف وجود دارد. مجموع اینها ربوبیت را به ظهور می‌آورد.

شاگرد: یعنی ربوبیت به فرد هم تعلق می‌گیرد؟

استاد: بله.

شاگرد: به غیر از مجرای طبیعت؟

استاد: نه از مسیر او. لذا حضرت علیه السلام تعبیری به کلی کردند. همانطور که ایشان فرمودند: نمی‌خواهند با کلیت، جمیع را بگویند. بلکه مجموع را می‌گویند. یعنی حضرت یک «کل» تشکیل دادند و مجموع درست کردند، می‌گویند این مجموع، با هم ربوبیت الهی را به ظهور می‌آورد.

شاگرد: کلیت نسبت به اجناس، از ذهن عرف دور است.

استاد: من حرف شما را قبول دارم؛ اینکه باید چه کار کنیم، جواب دارد ای ندارد، ان شاء اللّٰه جلسه‌ی بعد.

شاگرد: ...

استاد: اسماء، بالای اعیان است و زیر صفات است.

شاگرد: یک مقام لا اسم و لا رسم دارد، یک مقام احدیت دارد و یک مقام واحدیت. شما در احدیت می‌گویید ... .

استاد: این تعین فرض ذهن ما است؟ یا یک واقعیتی است؟

شاگرد: واقعیتی است.

استاد: عین مقام ذات است یا غیر از آن است؟

شاگرد: غیر مقام ذات است.

استاد: تمام شد.

شاگرد: همه‌ی آن‌ها می‌گویند که غیر از مقام ذات است.

استاد: می‌دانم. ما هم که این‌ها را می‌خواندیم، می‌دیدیم که این‌ها تناقض است. دوباره تکرار می‌کنم. تعین احدی ذات، تعین احدی صفات. مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی همه‌ی این‌ها را دارند. اول تعین احدی ذات، بعد تعین احدی صفات، بعد تعین واحدی ذات. این حالا هست یا نه، باشد. تعین واحدی صفات. این‌ها را ذهن من فرض می‌گیرد یا واقعیت دارد؟

شاگرد: آن‌ها می‌گویند واقعیت دارد.

استاد: عین مقام ذات است یا غیر از آن است؟

شاگرد: غیر از آن است.

استاد: پس او نشد. صقع یعنی چه؟ می‌خواهید بگویید: یعنی «کن» ندارد؟ ما هم قبول داریم. ما به همین دلیل می‌خواهیم بگوییم که نفس‌الامر اوسع است.

شاگرد: اگر صقع ربوبی را همان ال اسم و ال رسم می‌دانید که هیچ کثرتی وجود ندارد، فرمایش شما درست است.

استاد: یعنی صقع ربوبی بسیط نیست؟

شاگرد: بسیط است.

استاد: پس چطور در آن غیریت قائل می‌شوید؟ می‌گویید: یک تعینی داریم که غیر از آن است اما درعین‌حال صقع آن است.

شاگرد ۲: آن‌ها تا خداوند مراتب قائل می‌شوند.

شاگرد: یعنی می‌گویند خداوند تشکیکی است؟

شاگرد ۲: می‌گویند مقام ذات دارد، مقام احدیت دارد، مقام ... .

شاگرد: هر جور کثرتی را از واقعیت حق تعالی خارج می‌کنند.

استاد: آن‌ها مرادی دارند که غیر از بیان کلاسیکی است. من مکرر گفته‌ام که در مراد آن‌ها اصلا مشکلی ندارم. مراد را که می‌گویند. صحبت سر این است که بیان کلاسیکی مشتمل بر تناقض نباشد. حرف بزنیم و جلو ببریم. عرض من این است که وحیت غیبیه ذاتیه شد و تمام، غیر از آن همه خلق است. خلق به‌معنای وسیع آن. به‌معنای فیض. همه آن‌ها فیض است. لذا می‌گوییم بستر نفس‌الامر همه‌اش فیض است. بعد می‌گوییم دو تا فیض داریم. فیض اقدس من المقدس و فیض مقدس. نگویید همه این‌ها صقع ربوبی است.

شاگرد: از هر جا تعین شروع شود، قطعاً غیر از او است.

استاد: و فیض است. دراین‌صورت دچار تناقض هم نمی‌شویم. فقط باید بیانات کلاسیکی را بازنویسی کنیم. چرا در نهایه، اعیان ثابته را در کردند؟ به‌راحتی می‌گویند اعیان مردود است. «تردها اصلاً الوجود و اعتباریة الماهیة». آخوند در اسفار یک جا می‌گوید اگر حسن ظن به اهل عرفان نداشتیم، می‌گفتیم اعیان ثابته از احوال متکلمین افضع و اشنع است. یکجا این را می‌گوید، ولی در جای دیگر وقتی می‌خواهد قضیه شرور را درست کند، قشنگ به آن قائل می‌شود. اعیان را جلو می‌آورد و می‌گوید اگر این نباشد نمی‌توانیم شرور را درست کنیم.

شاگرد: تقیه می‌کند!

استاد: آنجایی که دارد درست می‌کند، تقیه نکرده است. ما به این صورت توجیه می‌کنیم: بیانات کلاسیکی کافی نیست تا آن‌ها را توجیه کند. اما نفس الامریت دارد و به حمل شایع می‌بینند که به درد می‌خورد و چراهای هم ندارند که بیاورند.

شاگرد: شما که از این اشکالات حال فرار می‌کنید باید یکی از آن را درست کنید.

استاد: من عرض می‌کنم وجود و عدم واسطه ندارد. به چه معنا؟ یعنی وجود و عدم ثالث ندارد اما ثانی دارد. زوج و فرد ثالث ندارد؛ عدد یا زوج است یا فرد است. اما زوج و فرد ثانی دارند. سفیدی زوج است یا فرد است؟ هیچ‌کدام. عدد حوزه دارد. حوزه کم منفصل است.

شاگرد: حوزه‌ی وجود و عدم چیست؟

استاد: حوزه‌ی فیض مقدس است. حوزه‌ی «کن» است. ما می‌گوییم وجود و عدم مقابلی و لذا می‌گوییم فیض هم یک نحو وجود دارد. وجود اشاری. فیض اقدس هم وجود دارد؛ وجود اشاری که مفصل صحبت کردیم.

والحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:51:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:51:35 توسط ... .